

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۲۴ سپتمبر ۲۰۲۳



محمد محق

در امکان رهائی از اسارت گذشته

بخشی از نیروهای سیاسی و اجتماعی افغانستان در گذشته گیر مانده و در همان جا قفل شده‌اند. مراد از گذشته پارادایم جهانی است که در اثر جنگ سرد خلق شده بود و رسوباتی از حوادث دو جنگ جهانی پیش از آن را با خود داشت. در آن پارادایم جهان از چشم‌اندازی ایدئولوژیک دیده می‌شد و عمده‌ترین ایدئولوژی‌های آن دوره در سطح جهانی ایدئولوژی چپ کلاسیک و لیبرالیسم بود و در سطح منطقه‌ای و محلی ایدئولوژی‌های مذهبی قرار داشتند که مهم‌ترین آن‌ها در منطقه ما ایدئولوژی اخوانی بود. در هنگام رویارویی، ایدئولوژی اخوان برای مقابله با ایدئولوژی چپ وارد انتلافی نانوخته با لیبرالیسم شد و همکاری‌های سری میان شبکه‌های مربوط به اخوان و قدرت‌های لیبرال تحقق پیدا کرد. نسخه محلی این جریان‌ها، از چپ تا راست، رنگ و بوی بومی‌تری داشت و ناظر به بخشی از مشکلات و نارسائی‌های محلی بود.

از هنگامی که اتحاد جماهیر شوروی فروپاشید، جریان چپ از رونق جهانی خود افتاد، به ویژه چپ کلاسیک به موزیم تاریخ فرستاده شد، پارادایم جهانی دگرگون شد و مقوله‌های دیگری مانند حقوق بشر، دموکراسی، توسعه پایدار و مانند این‌ها محوریت پیدا کرد. در اثر این تحول، فلسفه وجودی شماری از احزاب و جریان‌ها در منطقه ما پایان یافت و از جمله عنوان‌هایی مانند خلقی، پرچمی، اخوانی، شعله‌ئی و امثال این‌ها، به تاریخ پیوست. نسلی که پس از آن به صحنه آمد و با قضایای جهانی آشنا شد به مسایلی مانند حقوق شهروندی، خدمات دولتی، جامعه مدنی، دولت پاسخگو، توسعه متوازن، حقوق زن، حقوق کودک، حقوق اقلیت‌ها، عبور از ناسیونالیسم، دهکده جهانی، اتحادیه‌های فرامرزی، شرکت‌های چند ملیتی، دنیای مجازی، عصر دیجیتال، هوش مصنوعی، و مانند این‌ها می‌اندیشد. این مقوله‌ها از این رو اهمیت دارند که تأثیر مستقیمی بر نحوه زندگی مردم دارند و شاخص‌هایی برای کیفیت زندگی در این روزگار به شمار می‌روند. خلاف ایدئولوژی‌های قبلی که از بهشت سوسیالیسم، خلافت جهانی اسلام، و شعارهای موهومی از این قبیل سخن می‌گفتند و واقعیت‌های روزمره زندگی مردم تحت الشعاع این شعارها گم می‌شد، مقوله‌های یادشده به مسایل عینی

زندگی مردم می‌پردازد که تا کجا به آزادی‌های اساسی‌شان دست یافته، حقوق‌شان تأمین شده و زندگی‌شان بهبود یافته است.

در افغانستان هنوز بسیاری هستند که از تحولات دنیا آگاهی ندارند و در زندان شعارهای تاریخ‌گذشته قرار داشته و مردم را بر اساس اخوانی، خلقی، پرچمی، شعله‌ئی و ستمی تقسیم می‌کنند و با چنین معیارهائی در حق‌شان به داوری می‌پردازند. قفل شدن در تاریخ سبب شده است که مرز توهم و واقعیت گم شود، درد و رنج‌های روزمره مردم از اهمیت بیفتد و دریچه‌های مذاکره و تفاهم مسدود بماند. تداوم این انسداد و ناتوانی در مذاکره زمینه را برای پرخاش و تندخوانی فراهم کرده و توان جامعه را صرف تخریب و خودویران‌گری می‌کند. اگر بخواهیم راهی به عبور از بحران سنگین کنونی کشور گشوده شود باید کارهای زیادی کرد و از جمله رهائی از دعوای کهنه و عبور از مرزبندی‌های گذشته و بازآرائی صفوف بر اساس حقوق و منافع مردم. لازم نیست نسل نو خصومتی را به پیش ببرد و بر سر مسایلی بجنگد که ربطی به او ندارد و میراثی از نسل‌های پیشین است. میراث گذشتگان برای درس گرفتن و عبرت اندوختن است نه برای تبدیل کردن آن به زردخانه جنگ‌های بی‌پایان. بهتر است برچسب‌های گذشته را به موزیم بفرستیم و نیروی خود را بر تأمین حقوق و آزادی‌های شهروندان افغانستان متمرکز کنیم.